

هم‌سنجی منطقه ماهی‌گیری در کنوانسیون آکتائو و منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریا

غلامعلی قاسمی *

مهدی کیخسروی **

(DOI): 10.22066/CILAMAG.2022.246861

(DOR): 20.1001.1.2251614.1401.39.66.9.5

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده

کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر موسوم به کنوانسیون آکتائو، ماحصل پنجمین اجلاس سران دولت‌های حاشیه دریای خزر در ۲۰۱۸ در شهر آکتائو قزاقستان است. هرچند کنوانسیون آکتائو کوشیده است تا با ایجاد مناطق دریایی مختلف از جمله منطقه ماهی‌گیری در راستای تضمین امنیت و ثبات در منطقه دریای خزر گام بردارد، اجرایی‌شدن این مهم مستلزم تعیین و تدقیق مقررات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری در پرتو مقررات حقوق بین‌الملل به‌ویژه کنوانسیون حقوق دریا است. مطالعه حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که حقوق و تعهدات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری در کنوانسیون آکتائو در مقایسه با حقوق و تعهدات حاکم بر منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریا چگونه است؟ فرض مقاله این است که بخش قابل‌توجهی از مقررات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری در کنوانسیون آکتائو با الهام از مقررات حاکم بر منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریا تدوین شده است. با وجود این، برخی از مقررات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری مختص کنوانسیون آکتائو بوده، نظیری ندارد. نتایج این نوشتار نشان می‌دهد که کنوانسیون آکتائو در مقایسه با کنوانسیون حقوق دریا، سه رویکرد فعالانه، میانه و منفعلانه را اتخاذ کرده است. در رویکرد اول، کنوانسیون آکتائو افق‌های جدیدی را در زمینه مقررات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری گشوده و بالمآل پاسداشت از حاکمیت دولت‌های این دریا را سرلوحه کاری خود قرار داده است. در رویکرد دوم، کنوانسیون آکتائو همگام با کنوانسیون حقوق دریا حرکت کرده و در رویکرد نهایی، کنوانسیون آکتائو برخلاف کنوانسیون حقوق دریا از موضع سکوت با

* g.ghasemi43@gmail.com

** mahdikeykhosravi@gmail.com

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

** نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه قم

موضوع‌های حقوقی مواجه شده است.

واژگان کلیدی

منطقه ماهی‌گیری، کنوانسیون آکناثو، منطقه انحصاری اقتصادی، کنوانسیون حقوق دریا، حقوق و تعهدات دولت‌ها

مقدمه

صید و بهره‌برداری از ماهیان دریای خزر از زمان‌های بسیار دور توسط حاشیه‌نشینان این دریا و عمدتاً توسط روس‌ها انجام گرفته است. پس از تسلط اعراب بر ایران تا قرن چهارم هجری از وضعیت صید و صیادی در حوضه جنوبی دریای خزر اطلاعات موثقی در دست نیست. در زمان حکومت آل بویه در قرن چهارم هجری، ماهی‌گیری در گیلان، و با گسترش قلمرو آنان تا عراق عجم رونق داشت. در زمان حکومت صفویان از طریق رودخانه ولگا، دریای خزر و مرداب انزلی از روسیه به ایران انواع چرم خام، چیت و غیره وارد و از ایران خاویار و ماهی به روسیه ارسال می‌شد. پس از شکست فتحعلی شاه قاجار در ۱۲۴۱ هجری قمری از سپاه روسیه تزاری و بستن عهدنامه ننگین ترکمنچای و جداسدن شهرهای نخجوان، شیروان و باکو از ایران، امتیاز صید در دریای خزر نیز به دولت تزاری واگذار شد. در ۱۲۹۳ هجری قمری، حاج میرزا حسن خان سپهسالار، امتیاز کلیه امور شیلاتی و صید در دریا، رودخانه‌ها و تالاب انزلی را از شاه اجاره و چهارماه بعد، آن را به یک بازرگان تبعه روسیه به نام *استفان مارتینویچ لیانازوف* با اجاره سالانه ۵۰ هزار تومان واگذار کرد. پس از انقلاب بلشویکی و به دنبال تأسیس حکومت شوروی در روسیه، قرارداد *لیانازوف لغو* و شرکت مختلط صید ماهی ایران و شوروی تأسیس و به مدت ۲۵ سال برای شرکت فوق امتیاز بهره‌برداری صادر شد. در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ هجری خورشیدی دوران بهره‌برداری شرکت مختلط ماهی ایران و شوروی خاتمه یافت و شیلات توسط دکتر مصدق ملی اعلام شد و در ۱۳۳۲ لایحه قانونی اساسنامه شرکت سهامی شیلات ایران تهیه و به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^۱

منطقه ماهی‌گیری^۲ در دریای خزر،^۳ نخست در کنوانسیون بازرگانی و دریانوری^۴ منعقد بین

۱. شریفیان و دیگران؛ تعیین زی فن گونه‌های آبزیان اقتصادی و مستعد تکثیر و پرورش در کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۹۴، صص ۳۰-۲۹.

۲. Fishery Zone

۳. Caspian Sea

دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان، ۳۸۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. طول این دریا از شمال به جنوب ۱۴۴۰ کیلومتر و عرض آن از شرق به غرب ۳۲۰ کیلومتر است. این دریا به سه بخش شمالی، میانی و جنوبی تقسیم می‌شود. قسمت

ایران و شوروی در ۱۹۴۱ (از این پس کنوانسیون ۱۹۴۰) پیش‌بینی شد.^۵ کنوانسیون ۱۹۴۰ به ذکر یک مقرر در این خصوص بسنده کرده و چنین بیان می‌دارد که «هریک از طرفین متعاهدین (شوروی و ایران) ماهی‌گیری را در آب‌های ساحلی خود تا حد ۱۰ مایل دریایی به کشتی‌های خود اختصاص می‌دهند و این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که واردات ماهی‌های صیدشده از طرف کارکنان کشتی‌هایی را که زیر پرچم او سیر می‌کنند از تحقیقات و مزایای خاصی بهره‌مند سازد».^۶ با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ تعداد دولت‌های حاشیه دریای خزر از دو دولت به پنج دولت^۷ افزایش یافت. سه دولت تازه تأسیس قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان بر این باور بودند که کنوانسیون مزبور به استناد قاعده «لوح سفید»^۸ از دولت پیشین به جانشین منتقل نمی‌شود. در مقابل دولت روسیه بر این باور بود که کنوانسیون مزبور در زمره معاهدات مرزی^۹ است و در نتیجه سه دولت تازه تأسیس باید نسبت به تمامی تعهدات آن کنوانسیون ملتزم

شمالی عمدتاً کم‌عمق بوده و ۲۷ درصد از مساحت این دریا را به خود اختصاص داده است. میانگین عمق این قسمت پنج متر است. قسمت میانی عمیق‌تر بوده و شامل ۳۸ درصد از مساحت این دریا است. قسمت جنوبی حداکثر ۱۰۲۵ متر عمق دارد. از لحاظ منابع در این دریا حدود ۸۵۰ نوع جاندار آبی و بیش از ۵۰۰ نوع گیاه دریایی وجود دارد. به همین جهت نه تنها به‌عنوان یکی از منابع غنی شیلات و فراتر از آن خاویار جهان است، بلکه دارای اهمیت زیست‌محیطی ویژه‌ای هم هست. از جمله منابع دریای خزر، نفت (حدود ۲۰ میلیارد بشکه) و گاز (حدود ۹/۲ - ۶/۷ تریلیون متر مکعب) است که اهمیت اقتصادی و سیاسی ویژه به این دریا بخشیده است.

Mamedov, Rustam F., *International-Legal Status of the Caspian Sea in Its Historical Development*, *Turkish Yearbook*, 2000, at p. 108 & Shafiyev, F., "The Legal Regime of the Caspian Sea: Views of the Littoral States", *Prism*, 6, 2001, at p. 1 & Ramazanova, Emilia, *The Caspian Sea: Legal Challenges of Delimitation between Littoral States*, Thesis for Masters of Laws in Law of the Sea, Faculty of Law, University of Tromsø, 2012, at p. 5.

کامران، حسن، امیرمحمد حسن نامی، فرهاد جعفری و علی محمدپور؛ «رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر»، نشریه علمی- پژوهشی *انجمن جغرافیای ایران*، دوره ۶، شماره ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۸، ص ۲۷؛ باوند، داوود؛ «نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر: نویدها و زنه‌ارها»، *فصلنامه خاورمیانه*، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۷۲، ص ۶۶۰.

4. Treaty of Commerce and Navigation, 1940

۵. در کنوانسیون مودت که در ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی سابق منعقد شده، مقرره‌ای در خصوص منطقه ماهی‌گیری وجود ندارد.

6. Treaty of Commerce and Navigation, *op.cit.*, Art. 12. para. 4.

۷. این پنج دولت عبارت‌اند از: ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان.

8. *Tabula Rasa*

مطابق این قاعده، چنانچه دولت تازه استقلال یافته از بند استعمار دولت استعمارگر رهایی پیدا کند، هیچ تعهد و التزامی به رعایت معاهدات دولت پیشین (دولت استعمارگر) ندارد. در نتیجه مطابق این نظریه، معاهدات از دولت پیشین به دولت جانشین منتقل نمی‌شود. البته استناد دولت‌های آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان به قاعده مزبور چندان صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که دولت‌های پیش‌گفته ماحصل استعمارزدایی نیستند. ن.ک:

Boczek, Boleslaw Adam, *International Law: A Dictionary*, Scarecrow Press, 2005, at p. 139.

۹. در حقوق جانشینی دولت‌ها بر معاهدات، اساساً نظریه «لوح سفید» در مورد دولت جانشین پذیرفته شده است. با وجود این بر این قاعده عام استثنایی وارد است. قاعده مزبور در مورد معاهدات تعیین‌کننده مرزها، معاهدات مربوط به نظام‌های سرزمینی

و متعهد باشند. همچنین دولت ایران بر این باور بود که تا حصول توافق همه‌جانبه، این کنوانسیون حاکم بر وضعیت حقوقی دریای خزر است.^{۱۰} از ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ به منظور برون‌رفت از این مشکل و نیل به نظام حقوقی واحد، مذاکرات دیپلماتیک متعددی بین دولت‌های ساحلی دریای خزر صورت گرفت اما هیچ‌یک از آن‌ها کارگشا نبود. سرانجام در ۱۲ اوت ۲۰۱۸ در اجلاس آکائو^{۱۱} در قزاقستان، پیگیری‌های مجدانه کشورهای حاشیه دریای خزر به نتیجه رسید و رژیم حقوقی دریای خزر در قالب کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر^{۱۲} (از این پس کنوانسیون آکائو) منعقد شد. این کنوانسیون گامی مهم در ایجاد ساختار حقوقی به منظور تعیین حدود حوضه آبی و بستر دریای خزر و توسعه مقررات ناظر بر استفاده از نفت، گاز، ماهی‌گیری، دریانوردی و خطوط لوله است.^{۱۳} هرچند کنوانسیون آکائو با ایجاد مناطق دریایی مختلف از جمله منطقه ماهی‌گیری در راستای تعیین و تدقیق نظام حقوقی دریای خزر گام برداشته، تأمل در مفاد این کنوانسیون نشان می‌دهد که از یک سو در خصوص دامنه مفهومی و اجرایی برخی موضوعها ابهام وجود دارد و از این رو مستلزم تبیین و تشریح بیشتر است. از سوی دیگر در خصوص برخی موضوعها قواعد روشن و صریحی وجود ندارد. از این رو جستار حاضر در صدد است تا با مطالعه تطبیقی مقررات ناظر بر منطقه ماهی‌گیری در کنوانسیون آکائو با مقررات ناظر بر منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریا (۱۹۸۲) (از این پس کنوانسیون حقوق دریا) ابهام‌ها و خلأهای مزبور را برطرف کند و با ارائه راه‌حل‌های حقوقی جامع، روزآمد و متقن در صدد حل و فصل مسائل بین‌المللی آتی برآید. بر این اساس سؤال اساسی در نوشتار حاضر این است که حقوق و تعهدات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری در کنوانسیون آکائو در مقایسه با حقوق و تعهدات حاکم بر منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریا چگونه است؟ فرض مقاله این است که بخش قابل‌توجهی از مقررات حاکم بر منطقه

و معاهداتی که محدودیت‌هایی را به نفع سایر دولت‌ها بر سرزمین تحمیل می‌کنند اعمال نمی‌شود. ن.ک.

Wallace, R, *International Law*, Sweet & Maxwell. 2011, at p. 24.

۱۰. طیبی، سبحان و علی یار ارشدی؛ «بررسی رژیم حقوقی دریای خزر با تأکید بر مواضع حقوقی دول ساحلی»، *مجله حقوقی عدالت آرا*، دوره ۳، شماره ۷ و ۶، ۱۳۸۵، صص ۱۴۸-۱۴۷.

11. Aktau

12. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, 2018.

تا زمان نگارش این مقاله، به ترتیب دولت‌های ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان در دسامبر ۲۰۱۸، ژانویه و فوریه ۲۰۱۹ کنوانسیون آکائو را به تصویب رسانده‌اند. دولت روسیه مطابق قانون اساسی خود در حال طی تشریفات تصویب کنوانسیون مزبور است. دولت ایران اعلام کرده است تا هنگامی که موافقت‌نامه خطوط مبدأ مستقیم منعقد نشود، این دولت قصدی برای ارسال کنوانسیون آکائو به مجلس شورای اسلامی ندارد.

<https://orient.tm/en/russia-begins-ratification-process-of-caspian-constitution/> &

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/>

13. Krasnova, Irina. *Russian Federation*, Oxford University Press, 2020, at p. 1.

ماهی‌گیری در کنوانسیون آکتائو با الهام از مقررات حاکم بر منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریا تدوین شده است. با وجود این، برخی مقررات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری مختص کنوانسیون آکتائو بوده، نظیری ندارد. هم‌سنجی مقررات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری در کنوانسیون آکتائو با مقررات حاکم بر منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریا موضوعی است که می‌تواند مختصات کنش دولت‌های ساحلی دریای خزر به‌ویژه دولت ایران را در منطقه مشخص و بالمآل صلح و امنیت را در منطقه تضمین کند.

در بخش اول این جستار، پیشینه و ماهیت حقوقی منطقه ماهی‌گیری در کنوانسیون آکتائو و پیشینه و ماهیت حقوقی منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریا، و در بخش دوم، محدوده یا عرض منطقه ماهی‌گیری و منطقه انحصاری اقتصادی بررسی می‌شود. پس از مشخص شدن وضعیت حقوقی و عرض منطقه ماهی‌گیری و منطقه انحصاری اقتصادی، در بخش سوم، حقوق و تعهدات دولت ساحلی در مناطق ماهی‌گیری و منطقه انحصاری اقتصادی بررسی می‌شود. در نهایت با عنایت به اینکه سایر دولت‌ها نیز در مناطق ماهی‌گیری و انحصاری اقتصادی واجد برخی حقوق و تعهدات هستند، در بخش چهارم به حقوق و تعهدات سایر دولت‌ها در این مناطق پرداخته می‌شود. با عنایت به اینکه اعمال حقوق و به تبع آن اعمال تعهدات توسط دولت ساحلی و سایر دولت‌ها در مناطق ماهی‌گیری و انحصاری اقتصادی در گرو تعیین وضعیت حقوقی این مناطق است، در نتیجه در جستار حاضر ابتدا بخش وضعیت حقوقی مناطق ماهی‌گیری و انحصاری اقتصادی، و سپس بخش‌های عرض مناطق ماهی‌گیری و انحصاری اقتصادی، حقوق و تعهدات دولت ساحلی و سایر دولت‌ها در مناطق مزبور بررسی می‌شود.

۱. پیشینه و ماهیت حقوقی منطقه ماهی‌گیری و منطقه انحصاری اقتصادی

منطقه انحصاری ماهی‌گیری در حقوق دریا مفهوم نسبتاً جدیدی است. پیش از ۱۹۵۸ ادعاهای کمی در مورد مناطق انحصاری ماهی‌گیری مطرح شده بود. در این رابطه ادعاهای اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ برخی دول امریکای لاتین واقع در مجاورت اقیانوس آرام برای محدوده ۲۰۰ مایلی قابل ذکر است. با وجود این، اعلام مناطق انحصاری ماهی‌گیری اساساً نتیجه شکست کنفرانس اول و دوم حقوق دریا برای تعیین عرض دریای سرزمینی یا تعیین حقوق ویژه برای دول ساحلی در دسترسی به ذخایر ماهی ماورای دریای سرزمینی است. شکست مزبور منجر به صدور چندین اعلامیه یکجانبه توسط دول ساحلی برای منطقه انحصاری ماهی‌گیری به عرض ۱۲ مایل (و در برخی موارد با عرض بیشتر) و نیز انعقاد قراردادهای دوجانبه به منظور تأیید ادعاهای مزبور و نیز اقداماتی در سطح منطقه‌ای در اروپا برای انعقاد کنوانسیون

۱۹۶۴ شیلات شد. توسعه این رویه چنان به سرعت انجام گرفت که در ۱۹۷۴ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه صلاحیت ماهی‌گیری، تردیدی برای تأیید ۱۲ مایل منطقه انحصاری ماهی‌گیری به‌عنوان بخشی از حقوق عرفی بین‌المللی به خود راه نداد.^{۱۴}

ریشه منطقه انحصاری اقتصادی را باید در تمایل روزافزون کشورها بعد از ۱۹۴۵ به گسترش محدوده صلاحیت دولت ساحلی در دریا جستجو کرد. ولی ریشه دقیق‌تر این ایده را باید در کنفرانس سوم حقوق دریا یافت. مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی برای اولین بار توسط نماینده کنیا در اجلاس کمیته حقوق مشورتی آسیایی و آفریقایی در ژانویه ۱۹۷۱ و نیز سال بعد در کمیته بستر دریا‌های سازمان ملل مطرح شد. پیشنهاد کنیا با حمایت فعال بسیاری از دول آسیایی و آفریقایی روبه‌رو شد. مقارن همین زمان، بسیاری از دولت‌های امریکای لاتین اقدام به توسعه مفهوم مشابهی تحت عنوان دریای موروثی کردند. زمانی که کنفرانس سوم حقوق دریا شروع شد، این دو موضوع به‌طور مؤثر با یکدیگر ادغام شده بودند و مفهوم جدیدی که آن را منطقه انحصاری اقتصادی نامیدند مورد حمایت اکثر دولت‌های درحال توسعه قرار گرفت و برخی دولت‌های توسعه‌یافته مثل کانادا و نروژ نیز به پشتیبانی از آن برخاستند. منطقه انحصاری اقتصادی، جلوه‌ای از سازش بین خواسته دولت‌های مدعی محدوده دویست مایلی دریای سرزمینی (برخی دولت‌های امریکای لاتین و آفریقا) و دولت‌های توسعه‌یافته (مثل ژاپن، شوروی و ایالات متحده آمریکا) است که از توسعه دامنه صلاحیت دولت ساحلی ناخشنود بودند. این واقعیت باعث شد که منطقه انحصاری اقتصادی در کنفرانس سوم حقوق دریا مورد پذیرش اکثر دولت‌ها قرار گیرد.^{۱۵}

در مورد ماهیت حقوقی منطقه ماهی‌گیری باید بیان داشت که این موضوع در قضیه صلاحیت ماهی‌گیری مورد بحث قرار گرفت. در ۱۹۷۲ ایسلند یک منطقه انحصاری ماهی‌گیری با عرض ۵۰ مایل ایجاد کرد. این اقدام دولت ایسلند با مخالفت شدید انگلیس و جمهوری فدرال آلمان که در طول تاریخ در این منطقه ماهی‌گیری کرده بودند مواجه شد. دیوان بین‌المللی دادگستری بیان کرد که هر دولت ساحلی مطابق حقوق بین‌الملل عرفی می‌تواند مستقل از دریای سرزمینی، منطقه‌ای تا ۱۲ مایل از خطوط مبدأ تحت عنوان منطقه ماهی‌گیری ایجاد کند. دولت ساحلی در این منطقه از صلاحیت انحصاری صید برخوردار است. همچنین دولت ساحلی مطابق حقوق بین‌الملل عرفی از حقوق ترجیحی و ممتاز در بهره‌برداری از شیلات در دریای اطراف سواحل خود بهره‌مند است؛ البته این حقوق ترجیحی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن حقوق سایر کشورها که کشتی‌هایشان به‌طور سنتی در همان آب‌ها ماهی‌گیری کرده‌اند و جوامع ساحلی آنان

14. Churchill, Robin Rolf. Lowe, Alan Vaughan. *The Law of the Sea*, Manchester University Press. 1983, at pp. 200-201.

15. *Ibid.*, at p. 125.

برای معیشت و آسایش اقتصادی خود به این ماهی‌گیری وابسته‌اند اعمال شود.^{۱۶} کوتاهی دیوان در اتخاذ موضعی در مورد اعتبار ادعای ۵۰ مایلی ایسلند از نظر حقوق بین‌الملل عمومی، کشورها را تشجیع نمود که با یک محرک اضافی حداکثر محدوده ماهی‌گیری‌شان را گسترش دهند. در ۱۹۷۴ شواهد قابل‌توجهی در بیان پذیرش عمومی حداکثر ۲۰۰ مایل حد ماهی‌گیری به وجود آمد. ۹۳ کشور به صورت یکسان و هماهنگ مدعی صلاحیت جهت کاوش، بهره‌برداری، حفاظت و ماهی‌گیری ساحلی در منطقه ماهی‌گیری تا ۲۰۰ مایل دریایی شدند.^{۱۷} در سال‌های بعد به تعداد این دولت‌ها افزوده شد. در اواسط دهه ۸۰ هیچ تردیدی وجود نداشت که منطقه انحصاری ماهی‌گیری ۲۰۰ مایلی به‌عنوان قاعده عرفی جدید پذیرفته شده است.^{۱۸}

در مورد ماهیت منطقه انحصاری اقتصادی باید بیان داشت که منطقه انحصاری اقتصادی یک ناحیه دریایی (شامل آب‌های سطحی و ستون آب‌های بالای بستر دریا) ماورا و مجاور دریای سرزمینی است که می‌تواند تا ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأ دریای سرزمینی گسترش یابد. کشور ساحلی در این منطقه از حقوق حاکمه به منظورهای اکتشاف و استخراج، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی اعم از جاندار و بی‌جان و نیز سایر فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از منطقه برخوردار است. همچنین دولت ساحلی در خصوص ایجاد و استفاده از جزایر مصنوعی، تأسیسات و بناها، تحقیقات علمی دریایی، حفاظت و نگهداری محیط‌زیست دریایی و سایر حقوق و تکالیف پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون حقوق دریا از جمله حقوق و الزامات کشور ساحلی در منطقه مجاور که بخشی از عرض آن با منطقه انحصاری اقتصادی مشترک است، صلاحیت دارد.^{۱۹}

به‌طور کلی ماهیت منطقه ماهی‌گیری متفاوت از ماهیت منطقه انحصاری اقتصادی است. اولی صرفاً به منابع زنده مربوط می‌شود در حالی که دومی هم منابع زنده و هم منابع غیرزنده را شامل می‌شود. علی‌رغم روی هم‌قرار گرفتن هر دو منطقه، هر کدام نظام حقوقی مستقلی دارند. در نتیجه یک کشور می‌تواند فقط یک منطقه ماهی‌گیری اعلام و مدعی منطقه انحصاری اقتصادی نشود یا اینکه هر دو را ادعا کند.^{۲۰}

16. *Fishery Jurisdiction Cases (United Kingdom v. Iceland)*, 1974 I.C.J., pp. 23-27.

17. آسوده، محمود؛ *منطقه انحصاری اقتصادی در حقوق دریا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۳۳.

18. Oude Elferink, Alex G., *Stability and Change in the Law of the Sea The Role of the LOS Convention*, 2005, Brill Publishers, at p. 96.

19. United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982, Arts. 55 & 56.

20. آسوده؛ همان.

۲. عرض منطقه ماهی‌گیری و منطقه انحصاری اقتصادی

کنوانسیون آکتائو در خصوص عرض منطقه ماهی‌گیری اظهار می‌کند که «هر طرف در مجاورت آب‌های سرزمینی، یک منطقه ماهی‌گیری به عرض ۱۰ مایل دریایی را تعیین خواهد کرد».^{۲۱} در مقابل، ماده ۵۷ کنوانسیون حقوق دریا عرض حداکثر ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأ تعیین عرض دریای سرزمینی را برای مناطق انحصاری اقتصادی در نظر گرفته است. بر این اساس اگر دولتی عرض دریای سرزمینی خود را ۱۲ مایل تعیین کرده باشد، دارای ۱۸۸ مایل منطقه انحصاری اقتصادی خواهد بود.^{۲۲} در رویه، تمام دولت‌ها به‌جز دولت‌هایی که وضعیت جغرافیایی مناسبی ندارند، مناطق انحصاری اقتصادی ایجاد کرده‌اند. البته برخی دولت‌ها عرض منطقه انحصاری اقتصادی خود را بیشتر یا کمتر از ۲۰۰ مایل تعیین کرده‌اند.^{۲۳} در خصوص ادعاهای بیشتر از ۲۰۰ مایل، به نظر می‌رسد چنین ادعاهایی پذیرفته نیست، چرا که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تعیین حدود فلات قاره میان جمهوری عربی لیبی و مالت (رای ۱۹۸۵) اظهار داشت: «رویه دولت‌ها حاکی از آن است که نهاد منطقه انحصاری اقتصادی و قواعد آن راجع به مسافت، به بخشی از حقوق عرفی تبدیل شده است.^{۲۴} همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، عرض منطقه ماهی‌گیری می‌تواند تا حداکثر ۲۰۰ مایل دریایی گسترش یابد. با وجود این در خصوص ادعاهای کمتر از ۲۰۰ مایل نظیر تعیین محدوده ۱۰ مایلی ماهی‌گیری در کنوانسیون آکتائو، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این ادعاها مطابق حقوق بین‌الملل است؟

این مسئله به‌طور ویژه در خصوص دریای خزر در دو حوزه عرفی و قراردادی قابل بررسی است. مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، دولت‌های پیرامون دریاچه‌های مختلف جهان، آن‌ها را به‌عنوان پهنه آبی در نظر گرفته‌اند که قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل در خصوص آن‌ها حکمفرما نبوده و آن‌ها را تابع معاهدات ویژه‌ای می‌نمایند که موجب پدیدآمدن نظام‌های حقوقی مخصوص دریاچه‌ها شده است.^{۲۵} البته در زمینه استفاده از مقررات کنوانسیون و به‌کارگیری آن‌ها محدودیتی وجود ندارد، مشروط بر آنکه همه دولت‌های مربوط، در این خصوص با یکدیگر به توافق کامل دست یابند. در حوزه قراردادی مطابق ماده ۱۲۲ کنوانسیون حقوق دریا، دریای بسته یا نیمه‌بسته، یک خلیج، حوضه آبی یا دریا است که توسط دو یا چند دولت احاطه شده و به‌وسیله

21. *Ibid.*, Art. 9.

22. ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، ۱۳۹۱، ص ۳۰۶.

23. Bárbara, Kwiatkowska, *The 200 [Two Hundred] Mile Exclusive Economic Zone in the New Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 1989, at p. 1.

24. Quince, Charles, *The Exclusive Economic Zone*, Vernon Press. 2019, at p. 215.

25. ممتاز، جمشید و سعید میرزایی ینگجه؛ «رژیم حقوقی دریای خزر: دیدگاه‌های ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز؛ دوره ۵، شماره ۳۵، ۱۳۸۰، ص ۱۰.

همچنین ن.ک: (<http://hadianalireza.blogfa.com/post/102>).

راه خروجی آبی باریک به دریای دیگر یا اقیانوس متصل شده یا تماماً یا اساساً از آب‌های سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی دو یا چند دولت ساحلی تشکیل شده است. همچنین مطابق ماده ۱۲۳ این کنوانسیون، دولت‌های ساحلی این دریاها باید در اعمال حقوق و تعهدات مندرج در کنوانسیون حقوق دریا، به‌طور مستقیم یا از طریق یک سازمان منطقه‌ای مناسب، با یکدیگر همکاری و در این راه تلاش کنند. بنابراین اگر یک حوضه آبی مانند خلیج فارس مطابق مقررات کنوانسیون حقوق دریا، دریای بسته یا نیمه‌بسته تلقی شود، توسط کنوانسیون اخیر قابل تحدید حدود و تقسیم است و اگر ویژگی‌های آن مانند دریای خزر مطابق موارد مندرج در ماده ۱۲۲ نباشد، از شمول کنوانسیون خارج است.^{۲۶} بر این اساس به نظر می‌رسد اقدام نگارندگان کنوانسیون آکتائو در تعیین عرض ۱۰ مایل دریایی برای منطقه ماهی‌گیری دریای خزر، مغایر با قاعده حداکثر عرض ۲۰۰ مایل دریایی برای منطقه ماهی‌گیری در حقوق بین‌الملل دریا نیست.

۳. حقوق و تعهدات دولت ساحلی در منطقه ماهی‌گیری و منطقه انحصاری اقتصادی

کنوانسیون آکتائو پس از تعریف منابع زنده آبی^{۲۷} اعلام می‌دارد «هر طرف در منطقه ماهی‌گیری خود از حق انحصاری برداشت منابع زنده آبی طبق این کنوانسیون، موافقت‌نامه‌های جداگانه منعقد شده توسط طرف‌ها بر اساس کنوانسیون و قوانین ملی خود برخوردار خواهد بود».^{۲۸} عبارت «قوانین ملی خود» بیانگر این است که دولت‌های ساحلی خزر در خصوص برداشت منابع زنده آبی از اختیار وضع قوانین برخوردارند. با وجود این، کنوانسیون آکتائو در خصوص محدودیت‌های وارده بر این قانونگذاری ساکت است. اما در بند ۱ و ۲ ماده ۶۱ کنوانسیون حقوق دریا، قانونگذاری دولت‌های ساحلی در خصوص برداشت منابع زنده آبی در منطقه انحصاری اقتصادی، محدود به تعیین حد مجاز صید منابع زنده به‌منظور جلوگیری از صید بیش از حد مجاز شده است. در هر صورت به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی، کلیه دولت‌ها متعهد شده‌اند که از منابع زنده آبی در دریا محافظت نموده، از انجام هر اقدامی که بقای این منابع را به مخاطره می‌اندازد خودداری کنند.^{۲۹}

علاوه بر این، «طرف‌ها بر اساس این کنوانسیون و سازکارهای بین‌المللی، کل صید مجاز

۲۶. حکاک‌زاده، محمدرضا و آرزو بزرگ دعاگو؛ «بررسی چالش‌ها و راهکارهای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۵، شماره ۷۸، ۱۳۹۵، صص ۱۶۷-۱۶۶.

27. Aquatic biological resources

مطابق ماده ۱ کنوانسیون آکتائو، منابع زنده آبی عبارت‌اند از: ماهی‌ها، نرم‌تنان، سخت‌پوستان، پستانداران و سایر انواع جانوران و گیاهان آبی.

28. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 9. para. 2.

29. Birnie, Patricia W., *Legal Measures for the Conservation of Marine Mammals*, IUCN Publishers, 1982. at p. 6.

منابع زنده آبی مشترک^{۳۰} در دریای خزر را مشترکاً تعیین و آن را به سهمیه‌های ملی تقسیم خواهند کرد».^{۳۱} این مقررۀ عیناً از ماده ۱۱ موافقت‌نامه حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر مصوب ۲۰۱۴ (زین پس موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر ۲۰۱۴) و ماده ۱۱ قانون موافقت‌نامه حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی ایران (زین پس قانون منابع زنده آبی ایران ۱۳۹۴) اقتباس شده است.

در رابطه با مقررۀ کنوانسیون آکتائو این سؤال مطرح می‌شود که آیا اختیار دولت‌ها در تعیین کل صید مجاز نامحدود است؟ به عبارت دیگر آیا دولت‌ها باید در تعیین کل صید مجاز، مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر موافقت‌نامه ۲۰۱۴ راجع به حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر (از این پس موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر)^{۳۲} را مدنظر قرار دهند؟

در راستای درک ضرورت موضوع باید خاطر نشان کرد که در موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر و مدیریت منابع مشترک مزبور مقرر شده است.^{۳۳} کمیسیون می‌تواند بنا به تشخیص خود، گونه‌های آبی مختلف را در فهرست منابع زنده آبی مشترک قرار دهد و به تبع آن هر ساله کل صید مجاز منابع زنده آبی مشترک را تعیین و برای دولت‌ها سهمیه مقرر کند.^{۳۴} این کمیسیون در ۲۰۱۰ صید تجاری ماهیان خاویاری را ممنوع اعلام کرده، به تعبیری ماهیان خاویاری را به‌عنوان منابع زنده آبی مشترک در نظر گرفته است. این مقررۀ عیناً در ماده ۱۱ قانون منابع زنده آبی ایران (۱۳۹۴) درج شده است.^{۳۵} با وجود این در قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی ایران (زین پس قانون منابع آبی ایران ۱۳۷۴) مقررهای در این رابطه وجود ندارد. با عنایت به اینکه قانون اخیر قبل از موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر (۲۰۱۴) و قانون منابع زنده آبی ایران (۱۳۹۴) وضع شده است به نظر می‌رسد که در زمان وضع آن، مسئله حفاظت از منابع زنده آبی مشترک چندان برای قانونگذار ملی اولویت نداشت. موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر، علاوه بر صید تجاری تاس ماهیان، به صید ضمنی^{۳۶}

30. Shared aquatic biological resources

مطابق ماده ۱ کنوانسیون آکتائو، منابع زنده آبی مشترک، آن دسته از منابع زنده آبی هستند که مشترکاً توسط طرف‌ها مدیریت می‌شوند.

31. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 9. Para. 3.

32. Agreement on the Conservation and Sustainable Use of Aquatic Biological Resources of the Caspian Sea, 2014.

33. *Ibid.*, art. 10.

34. *Ibid.*, art. 11.

35. <https://www.irna.ir/news>

۳۶. مطابق ماده ۲ موافقت‌نامه منابع زنده آبی: «... «صید ضمنی»: صید، برداشت یا شکار گونه‌ای از منابع زنده در هنگام صید هدف گونه‌ای دیگر از منابع زنده» است.

تاس ماهیان نیز پرداخته است. موافقت‌نامه مزبور در این خصوص بیان می‌دارد که «۱. صید ضمنی تاس ماهیان باید به حداقل رسانده و موارد آن حتماً باید ثبت شود؛ ۲. نگهداری تاس ماهیان که به‌عنوان صید ضمنی صید می‌شوند مجاز نخواهد بود و این تاس ماهیان باید بلافاصله به زیستگاه طبیعی بازگردانده شوند؛ ۳. مفاد بندهای ۱ و ۲ این ماده در مورد صیادی جهت تحقیقات علمی و همچنین اهداف بازسازی مصنوعی اعمال نخواهد شد».^{۳۷} در خصوص این ماده ذکر چند نکته حائز اهمیت است: نخست: مقام تصمیم‌گیرنده در مورد به‌حداقل‌رساندن صید ضمنی تاس ماهیان، دولت‌ها هستند نه کمیسیون. دوم: از آنجا که نسل این ماهیان در حال انقراض است، موافقت‌نامه مزبور دولت‌ها را متعهد کرده است تا صید ضمنی تاس ماهیان را به ثبت برسانند. البته موافقت‌نامه به این مسئله اشاره نکرده است که این صید باید در کدام نهاد ثبت شود. سوم: موافقت‌نامه مزبور جهت ترویج تناسل آن‌ها نگهداری این ماهیان را ممنوع و دولت‌ها را متعهد کرده تا این ماهیان را فوراً به زیستگاه طبیعی‌شان بازگردانند. چهارم: موافقت‌نامه مزبور، صید ضمنی تاس ماهیان به جهت تحقیقات علمی و اهداف بازسازی ذخایر را به‌عنوان استثنایی بر قاعده محدودیت صید و قاعده ممنوعیت نگهداری پذیرفته است. در صورتی که در زمینه تعیین سهمیه‌ها توافقی بین طرف‌ها حاصل نشود، مطابق موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر، آخرین تصمیم کمیسیون در مورد سهمیه‌ها اعمال می‌شود.^{۳۸} به عبارت بهتر در صورت عدم توافق بین طرف‌ها در خصوص تعیین سهمیه‌ها در هر اجلاس، تصمیم اتخاذی توسط کمیسیون در اجلاس قبلی مناط اعتبار خواهد بود. به منظور مبارزه با صید غیرقانونی، گزارش‌نشده، نامنظم و تجارت غیرقانونی منابع زنده آبی و همچنین فرآورده‌های حاصل از منابع مزبور، موافقت‌نامه مزبور، دولت‌های ساحلی دریای خزر را متعهد می‌کند تا کلیه اقدامات ممکن را در این خصوص به عمل آورند.^{۳۹} دولت ایران در این زمینه یکی از دولت‌های فعال حوضه ساحلی دریای خزر بوده است. ابتدا در ۱۳۴۶ قانون صید غیرمجاز از دریای خزر را تصویب کرد. سپس در ۱۳۵۸ لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز در دریای خزر و خلیج فارس را جایگزین قانون صید غیرمجاز از دریای خزر کرد. مطابق ماده ۲ این قانون، صید ماهی‌های خاویاری (تاس ماهیان)، تهیه خاویار همچنین عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور آن‌ها بدون اجازه شرکت سهامی شیلات ایران، ممنوع و مرتکبین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قابل تعقیب و مجازات هستند و کسانی که خاویار را به طریق مذکور تحصیل و بدون اجازه شرکت سهامی شیلات ایران صادر کنند به حداکثر مجازات مزبور محکوم خواهند شد. علاوه بر این، دولت ایران، قانون منابع زنده آبی ایران (۱۳۷۴)

37. Agreement on the Conservation and Sustainable Use of Aquatic Biological Resources of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 8.

38. *Ibid.*, Art. 6(2).

39. *Ibid.*, Art. 9.

و قانون منابع زنده آبی ایران (۱۳۹۴) را به تصویب رساند. اما در پاسخ به سؤال مطروح باید اظهار کرد عبارت «سازوکارهای بین‌المللی» در مقرره اخیر به کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر اشاره دارد. علاوه بر این، تعریف ارائه‌شده در ماده ۱ کنوانسیون آکتائو در مورد منابع زنده آبی از موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر اقتباس شده است. به عبارت بهتر، کنوانسیون آکتائو مؤید موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر است.^{۴۰} در نهایت باید بیان داشت که قانونگذاری دولت‌های ساحلی دریای خزر مقید به مفاد کنوانسیون اخیر بوده، این دولت‌ها نمی‌توانند در مغایرت با اقدام‌هایی نظیر ممنوعیت صید تجاری ماهیان خاویاری مقرراتی وضع کنند.

همچنین «چنانچه یکی از طرف‌ها امکان برداشت تمامی سهمیه خود از کل صید مجاز را نداشته باشد، می‌تواند از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا از طریق ترتیبات دیگر طبق قوانین ملی خود، دسترسی به باقیمانده سهم خود از کل صید مجاز را به طرف‌های دیگر اعطا کند».^{۴۱} این مقرره با تأسی از بند ۳ ماده ۶ موافقت‌نامه منابع زنده آبی خزر، بند ۲ ماده ۶۲ کنوانسیون حقوق دریا و بند ۳ ماده ۶ قانون منابع زنده آبی ایران (۱۳۹۴) نگاشته شده است. قانون منابع آبی ایران (۱۳۷۴) بدون اینکه به امکان یا عدم امکان برداشت هر دولت از سهمیه آن از کل صید مجاز اشاره کند، بیان کرده است که شناورهای صیادی خارجی مجاز به صید در آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت دولت جمهوری اسلامی ایران نیستند مگر بر اساس شروط مندرج در موافقت‌نامه‌های منعقد شده مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت صاحب پرچم. بر این اساس می‌توان بیان کرد که قانون منابع آبی ایران (۱۳۷۴) با کنوانسیون آکتائو همپوشانی دارد و هم در قانون منابع آبی ایران (۱۳۷۴) و هم در کنوانسیون آکتائو، ماهی‌گیری شناورهای خارجی در منطقه ماهی‌گیری دولت ساحلی منوط به رضایت دولت اخیر شده است. این مسئله در رویه بین‌المللی نیز نمود عینی یافته است. به‌طور مثال می‌توان به موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین دولت‌های ساحلی افریقایی یا موافقت‌نامه‌های چندجانبه بین اتحادیه اروپا و دولت‌های ژاپن، کانادا، کره جنوبی و ایالات متحده آمریکا اشاره کرد. در هر صورت در حقوق بین‌الملل معاصر، واگذاری باقیمانده سهم هر دولت ساحلی از کل صید مجاز خود به سایر دولت‌ها از طریق موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا سایر ترتیبات به‌عنوان اصل کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده است.^{۴۲} با وجود این، مطابق بند ۲ ماده ۶۱ کنوانسیون حقوق دریا، دولت ساحلی با توجه به بیشترین شواهد علمی در دسترس، از طریق اقدام‌های حفاظتی و مدیریتی مناسب اطمینان

۴۰. صیرفی، ساسان؛ نشست کارشناسی «دریای خزر، تحدید حدود مناطق دریایی، ژئوپلتیک»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.

41. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 9. para. 4.

42. Wang, James C. F. و *Handbook on Ocean Politics & Law*, Santa Barbara, Greenwood Publishing Group, 1992, at p. 112.

حاصل خواهد کرد که ذخایر موجودات زنده منطقه انحصاری اقتصادی با صید بیش از حد به مخاطره نمی‌افتند.^{۴۳} کنوانسیون آکتائو نیز اذعان می‌دارد که «هر طرف به منظور اعمال... حقوق انحصاری خود در برداشت منابع زنده آبی و همچنین به منظور حفظ و مدیریت چنین منابعی در منطقه ماهی‌گیری خود، می‌تواند تدابیری در خصوص کشتی‌های سایر طرف‌ها شامل سوارشدن بر آن‌ها، بازرسی، تعقیب فوری، بازداشت، توقیف و رسیدگی قضایی که ممکن است برای تضمین رعایت قوانین و مقررات آن ضروری باشد، اتخاذ نماید».^{۴۴} در خصوص این دو مقرر، ذکر چند نکته حائز اهمیت است: ۱. سیاق مقرر نخست، به‌طور کلی تنظیم شده است و با عنایت به بند ۲ ماده ۶۲ کنوانسیون حقوق دریا شامل آن دسته از مجوزهایی که توسط دولت ساحلی به سایر دولت‌ها تفویض شده نیز می‌شود. بر این اساس چنانچه مشخص شود کشتی‌های سایر طرف‌ها بیش از حد مجاز اقدام به بهره‌برداری نموده‌اند، دولت ساحلی می‌تواند به تدابیر اجرایی علیه آن کشتی‌ها متوسل شود. ۲. مقرر دوم با ذکر عباراتی نظیر بازرسی، تعقیب فوری، بازداشت و تعقیب، به ایضاح دامنه مفهومی صلاحیت اجرایی دولت ساحلی پرداخته است. در هر صورت، اعمال تدابیر اجرایی توسط دولت‌های ساحلی دریای خزر علیه کشتی‌های متخلف صیادی به رسمیت شناخته شده است.

یکی از حقوق بارز دولت‌های ساحلی در منطقه ماهی‌گیری، تحقیقات علمی دریایی است. مطابق کنوانسیون آکتائو «هر طرف در اعمال صلاحیت خود از حق انحصاری برای وضع قواعد، تجویز و انجام تحقیقات علمی دریایی مربوط به منابع زنده آبی در منطقه ماهی‌گیری خود برخوردار خواهد بود. کشتی‌های تحت پرچم طرف‌ها می‌توانند چنین تحقیقاتی را در منطقه ماهی‌گیری طرف دیگر با مجوز کتبی آن طرف و طبق شروطی که آن طرف می‌تواند تعیین کند انجام دهند».^{۴۵} این مقرر با تاسی از بند ۱ و ۲ ماده ۲۴۶ کنوانسیون حقوق دریا نگاشته شده است. بر این اساس دولت‌های ساحلی از حق وضع قواعد، تجویز و انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی برخوردارند. به همین ترتیب، تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی باید با موافقت دولت ساحلی انجام شود. در نتیجه هرگونه تحقیقات علمی دریایی بدون موافقت دولت ساحلی، نقض صلاحیت دولت ساحلی را به همراه خواهد داشت.^{۴۶} امروزه اصل رضایت دولت ساحلی برای تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی، بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است.^{۴۷} با وجود این، توجه به دو نکته حائز اهمیت است: نخست

43. Schwabach, A, John Cockfield, A., *International Law and Institutions*, EOLSS Publishers, 2009, at p. 217.

44. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 12. Para. 3.

45. *Ibid.*, Art. 13. para. 2.

46. Quince, Charles., *op.cit.*, at p. 74.

47. *Ibid.*

آنکه مطابق کنوانسیون آکتائو، قانونگذاری دولت‌های ساحلی در زمینه تحقیقات علمی در منطقه ماهی‌گیری مقید به منابع زنده آبی است، اما این قانونگذاری در مناطق انحصاری اقتصادی مطلق است. دوم آنکه مطابق کنوانسیون آکتائو، دولت ساحلی دریای خزر می‌تواند صرفاً به سایر دولت‌های ساحلی این دریا اجازه انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه ماهی‌گیری خود را بدهد، اما مطابق کنوانسیون حقوق دریا، دولت ساحلی می‌تواند به کلیه دولت‌های جهان اعم از ساحلی یا محصور در خشکی اجازه انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی خود را بدهد.

هرچند دولت‌های ساحلی دریای خزر از اختیار قانونگذاری در خصوص تعیین شروط و شیوه‌های صدور مجوزها برخوردارند،^{۴۸} در اجرایی‌کردن این قانونگذاری با محدودیت‌هایی مواجه هستند. در این خصوص می‌توان به خودداری از تأخیر یا انکار غیرموجه در صدور مجوزها اشاره کرد. کنوانسیون آکتائو در این رابطه اظهار می‌دارد که «در اتخاذ تصمیم در مورد صدور مجوزهای انجام تحقیقات علمی دریایی مربوط منابع زنده آبی نباید تأخیر یا انکار غیرموجهی وجود داشته باشد».^{۴۹} این مقررۀ قراردادی از نوآوری‌های کنوانسیون آکتائو است.

دولت‌های ساحلی همراستا با حق وضع قوانین، تجویز و انجام تحقیقات علمی دریایی از حق تعلیق یا توقف این تحقیقات نیز برخوردارند. کنوانسیون آکتائو در این خصوص اعلام می‌دارد که «طرفی که اجازه تحقیقات علمی دریایی صادر کرده است، حق دارد در یکی از موارد زیر خواستار تعلیق یا توقف آن شود: الف) فعالیت‌های تحقیقاتی طبق اطلاعات ارائه‌شده که مبنای صدور مجوز بوده است انجام نشود؛ ب) فعالیت‌های تحقیقاتی به گونه‌ای انجام شود که شرایط مقرر شده را نقض کند؛ پ) در رعایت یکی از مفاد این ماده در اجرای طرح تحقیقاتی قصور شود؛ ت) تعلیق یا توقف مزبور برای تضمین امنیت آن طرف حیاتی باشد».^{۵۰} این مقررۀ با تأسی از ماده ۲۵۳ کنوانسیون حقوق دریا تنظیم شده است. البته کنوانسیون آکتائو، دامنه اختیارات اجرایی دولت‌ها را توسعه بخشیده است. بر این اساس دولت‌های ساحلی خزر از حق تعلیق یا توقف تحقیقات علمی دریایی به منظور تضمین امنیت خود نیز بهره‌مند هستند.^{۵۱} در هر صورت کندوکاو در اسناد و رویه بین‌المللی نشان می‌دهد که تعلیق یا توقف و حق مشارکت یا داشتن نماینده در تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی از نوآوری‌های کنوانسیون حقوق دریا بوده، در نتیجه صرفاً قاعدۀ قراردادی است که در کنوانسیون آکتائو تکرار شده است.

48. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 13. Para. 3.

49. *Ibid.*, Art. 13. para. 4.

50. *Ibid.*, Art. 13. para. 9.

۵۱. البته باید خاطر نشان کرد که برخلاف کنوانسیون آکتائو در ماده ۲۵۳ کنوانسیون حقوق دریا به پیامدهای توقف یا تعلیق تحقیقات علمی دریایی اشاره شده است.

مطابق کنوانسیون آکتائو «هر طرف بر کشتی‌های تحت پرچم خود در دریای خزر اعمال صلاحیت خواهد کرد».^{۵۲} هرچند سیاق مقررۀ فوق بر این امر دلالت دارد که دولت صاحب پرچم نسبت به دعاوی مربوط به کشتی در مناطق دریایی از جمله منطقه ماهی‌گیری از صلاحیت کیفری و مدنی برخوردار است، این سؤال باقی است که آیا صلاحیت دولت صاحب پرچم در این خصوص مطلق است؟

به نظر می‌رسد بهترین راهکار به منظور پاسخگویی به این سؤال، رجوع به قواعد حقوق بین‌الملل دریا باشد. اصولاً دولت صاحب پرچم در دعاوی حقوقی و کیفری صلاحیت قضایی خواهد داشت. علت این امر نیز اعمال قواعد دریای آزاد در منطقه انحصاری اقتصادی طبق ماده ۵۸ کنوانسیون حقوق دریا است. این صلاحیت شامل صلاحیت بر کارکنان داخلی کشتی با هر تابعیتی نیز خواهد شد.^{۵۳}

مطابق بند ۱ ماده ۹۷ کنوانسیون حقوق دریا «در صورت تصادف یا هر حادثۀ دریانوردی دیگر مربوط به کشتی در دریای آزاد، که در آن مسئولیت کیفری یا انضباطی ناخدا یا هر فرد دیگر مشغول به خدمت در کشتی مطرح می‌شود، هیچ رسیدگی کیفری یا انضباطی بر علیه این اشخاص نمی‌تواند صورت گیرد مگر در مقابل مقامات قضایی یا اداری دولت صاحب پرچم یا دولتی که آن شخص تبعۀ آن است». این مقررۀ پیش‌تر در بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای آزاد انعکاس یافته است. بنابراین در دعاوی کیفری و انتظامی، دولت صاحب پرچم کشتی زیان‌دیده تحت هیچ شرطی نمی‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند.^{۵۴} در فرض صلاحیت موازی بین دولت صاحب پرچم با دولتی که شخص بزهکار تبعۀ آن است، ارجحیت با دولت صاحب پرچم کشتی است.^{۵۵}

در خصوص حفاظت از محیط‌زیست دریایی اصولاً صلاحیت قضایی دولت ساحلی اعمال می‌شود. بند ۱ ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق دریا در این خصوص اظهار می‌دارد دولت ساحلی در رابطه با حفاظت از محیط‌زیست دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی صلاحیت دارد». همچنین کنوانسیون حقوق دریا در بند ۶ ماده ۲۲۰ اعلام می‌کند که «هر گاه شواهد عینی روشنی وجود داشته باشد دال بر آن که یک کشتی در حال دریانوردی در منطقه انحصاری اقتصادی یا دریای سرزمینی یک دولت در منطقه انحصاری اقتصادی مرتکب تخلف مذکور در بند ۳ شود که منجر به دفع مواد زائد به گونه‌ای شده باشد که موجب وارد آمدن خسارت شدیدی به خطوط ساحلی یا

52. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 12.

۵۳. ضیایی، سید یاسر؛ صلاحیت دولت در حقوق بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۹۶، ص ۳۰۹.

54. Nadan. Satya N, Rosenne. Shabtai, Nordquist. Myron H, *United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary*, Martinus Nijhoff Publishers, 1985, at p. 168.

۵۵. چرچیل. رابین و آلن لو؛ حقوق بین‌الملل دریا، ترجمه: بهمن آقایی، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۲۵۹.

منافع مربوط به دولت ساحلی یا خسارت به هر گونه منابع دریای سرزمینی یا منطقه انحصاری اقتصادی شده یا خطر چنین خسارتی را موجب شود، آن دولت می‌تواند با رعایت بخش ۷ و در صورتی که شرایط ایجاب کند، طبق قوانین خود اقدام به طرح دعوا و توقیف کشتی کند.^{۵۶} یا مطابق بند ۱ ماده ۲۲۰ کنوانسیون اخیر «هر گاه یک کشتی به اختیار خود در یک بندر یا پایانه دریایی دولتی توقف کرده باشد، آن دولت می‌تواند با رعایت بخش ۷ به دلیل هر گونه نقض قوانین و مقرراتی که آن دولت طبق این کنوانسیون یا قواعد و معیارهای لازم‌الاجرای بین‌المللی برای جلوگیری، کاهش و مهار آلودگی ناشی از کشتی‌ها به تصویب رسانده است، در صورتی که چنین تخلفی در دریای سرزمینی یا منطقه انحصاری اقتصادی آن دولت رخ داده باشد، اقدام به طرح دعوا کند».

البته در موارد استثنایی دولت صاحب پرچم نیز از صلاحیت قضایی برخوردار است. به‌طور مثال، بند ۴ ماده ۲۱۷ کنوانسیون حقوق دریا اظهار می‌دارد که «اگر یک کشتی مرتکب نقض قواعد و استانداردهای وضع‌شده از طریق سازمان بین‌المللی صلاحیت‌دار یا کنفرانس دیپلماتیک عمومی شود، دولت صاحب پرچم بدون آنکه لطمه‌ای به مواد ۲۱۸، ۲۲۰، و ۲۲۸ وارد شود، رسیدگی فوری به عمل خواهد آورد و در موارد مقتضی بدون توجه به محل وقوع نقض یا محلی که آلودگی ناشی از این نقض اتفاق افتاده یا علائم آن مشاهده شده، تشکیل دادرسی خواهد داد».

به زعم برخی نویسندگان حقوقی، مطابق حقوق عرفی، دولت ساحلی از صلاحیت رسیدگی قضایی در خصوص حفاظت و کنترل آلودگی در منطقه انحصاری اقتصادی برخوردار است که این صلاحیت از حقوق دولت ساحلی نسبت به منابع این منطقه نشأت می‌گیرد.^{۵۷} در نهایت در مورد صلاحیت دولت صاحب پرچم باید بیان داشت که با عنایت به اینکه از یک‌سو تعریف دریاها بسته یا نیمه‌بسته در مورد دریای خزر صدق نمی‌کند و از سوی دیگر دریای خزر از شمول مقررات کنوانسیون حقوق دریا خارج است، صلاحیت دولت صاحب پرچم در دریای خزر مطلق است. با وجود این، دولت‌های ساحلی دریای خزر می‌توانند مقررات استثنایی فوق را در روابط دوجانبه یا چندجانبه خود در دریای خزر اعمال کنند.

۴. حقوق و تعهدات سایر دولت‌ها در منطقه ماهی‌گیری و منطقه انحصاری اقتصادی

مطابق کنوانسیون آکتائو، دولت‌های ساحل دریای خزر از حق دریانوردی در منطقه ماهی‌گیری یکدیگر برخوردارند. بر این اساس، «کشتی‌های تحت پرچم طرف‌ها از آزادی دریانوردی در

56. Extavour, Winston Conrad, *The Exclusive Economic Zone: A Study of the Evolution and Progressive Development of the International Law of the Sea*, Brill publishers, 1979, at p. 213.

فراسوی محدوده‌های خارجی آب‌های سرزمینی طرف‌ها برخوردار خواهند بود. این آزادی منوط به رعایت حقوق حاکمه و انحصاری دولت‌های ساحلی و رعایت مقررات وضع‌شده توسط آن‌ها در مورد فعالیت‌های مشخص‌شده توسط طرف‌ها است.^{۵۷} هرچند مقررۀ فوق با الهام از بند ۱ ماده ۵۸ کنوانسیون حقوق دریا نگاشته شده است، دامنه شمول این دو مقررۀ با یکدیگر متفاوت است. مطابق کنوانسیون آکتائو، آزادی دریانوردی در منطقه ماهی‌گیری به دولت‌های ساحلی دریای خزر اختصاص دارد و به دولت‌های ثالث تعلق ندارد.^{۵۸} اما مطابق بند ۱ ماده ۵۸ کنوانسیون حقوق دریا، کلیۀ دولت‌های جهان، اعم از دولت‌های ساحلی یا محصور در خشکی از آزادی دریانوردی در مناطق انحصاری اقتصادی برخوردارند. همین‌طور در حقوق بین‌الملل عرفی، آزادی دریانوردی در منطقه انحصاری اقتصادی برای کلیۀ دولت‌ها پذیرفته شده است.^{۵۹} اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا کشتی‌های جنگی^{۶۰} می‌توانند در منطقه ماهی‌گیری به مانور دریایی مبادرت نمایند یا تمرین تسلیحاتی انجام دهند؟ مانورهای دریایی و تمرین‌های تسلیحاتی بدون تردید، جزء استفاده‌های مرتبط با کشتی‌رانی هستند، ولی در مورد اینکه این‌گونه استفاده‌های قانونی بین‌المللی تا چه حدی پذیرفته می‌شود، اتفاق نظر وجود ندارد. همین‌طور درباره انطباق آن‌ها با کنوانسیون حقوق دریا بخصوص ماده ۸۸ که مقرر می‌کند دریای آزاد باید برای مقاصد صلح‌آمیز محفوظ بماند، اختلاف وجود دارد.^{۶۱} به زعم نگارنده، در خصوص مورد اول به نظر می‌رسد مانورهای دریایی و تمرین‌های تسلیحاتی تا جایی که با حقوق دولت ساحلی و سایر دولت‌ها در منطقه ماهی‌گیری مغایرت نداشته باشد، قانونی است. در خصوص مورد دوم به نظر می‌رسد که این مانورها و تمرین‌ها با اصل استفاده صلح‌آمیز از دریای آزاد مغایرتی ندارند، چرا که هدف اصلی این تمرین‌ها تضمین و تثبیت صلح از طریق اتخاذ اقدام‌های پیشگیرانه است.

57. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op. cit.*: Art. 10 para.1 & art. 3. para. 8

58. *Ibid.*, Art. 3. para. 11.

59. Vrancken, P. H. G, *South Africa and the Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 2011. at p. 180.

۶۰ مطابق ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق دریا و ماده ۱ کنوانسیون دریای خزر، کشتی جنگی «کشتی متعلق به نیروهای مسلح یکی از طرف‌ها که دارای علائم خارجی متمایزکننده تابعیت آن بوده، تحت فرماندهی افسری است که به‌طور رسمی توسط دولت آن طرف منصوب شده است و نام وی در فهرست خدمات ذی‌ربط یا معادل آن درج شده و دارای خدمه‌ای است که تابع نظام نیروهای مسلح منظم هستند». بر این اساس چنین کشتی باید در درجه اول متعلق به نیروهای مسلح یکی از طرف‌ها باشد نه لزوماً نیروی دریایی آن. در درجه دوم، نام افسر فرمانده باید در فهرست خدمات ذی‌ربط یا معادل آن درج شود نه در فهرست نیروی دریایی آن. در درجه سوم، خدمه باید تابع نظام نیروهای مسلح منظم باشد نه تابع نظام دریایی منظم. در برخی موارد دولت‌ها نیروهای دریایی خودشان را تعیین نمی‌کنند اما از کشتی‌های دولتی به‌جز کشتی‌های پلیس به منظور اهداف نظامی و امنیتی استفاده می‌کنند.

Gill, Terry D. Fleck, Dieter. *The Handbook of the International Law of Military Operations*, Oxford University Press. 2011, at p. 337.

61. Churchill, Robin Rolf. Lowe, Alan Vaughan. *op.cit.*, at p. 134.

یکی دیگر از حقوق سایر دولت‌ها در منطقه ماهی‌گیری، آزادی هوانوردی است. بر این اساس، «آزادی پروازهای عبوری توسط هواپیماهای غیرنظامی طبق مقررات سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری» بر فراز دریای خزر در کنوانسیون آکتائو به رسمیت شناخته شده است.^{۶۲} باید توجه داشت که سازمان هواپیمایی کشوری در خصوص هواپیماهای غیرنظامی دو گونه پرواز را مدنظر قرار داده است: یکی پرواز غیربرنامه‌ای و دیگری پرواز برنامه‌ای. پروازهای دسته نخست، پروازهای غیرمنظمی هستند که بنا به ضرورت برای یک یا چندبار صورت می‌گیرند. این پروازها برخلاف پروازهای برنامه‌ای این امتیاز را دارند که می‌توانند بدون کسب اجازه قبلی وارد قلمرو هوایی یکی از دولت‌های متعاقد شوند.^{۶۳} پروازهای دسته دوم متعلق به سرویس‌های منظم هوایی بین‌المللی بوده، اجرایی شدن آن‌ها منوط به کسب موافقت قبلی از دولت مربوط یا وجود موافقت‌نامه بین‌المللی خاص است.^{۶۴} بر این اساس می‌توان اظهار داشت که هرچند آزادی هوانوردی در منطقه ماهی‌گیری دریای خزر به رسمیت شناخته شده است، این آزادی از یک‌سو شامل هواپیماهای نظامی نمی‌شود و صرفاً هواپیماهای غیرنظامی را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر، دامنه اجرایی این آزادی با توجه به نوع پرواز متفاوت است.

از دیگر حقوق سایر دولت‌ها در منطقه ماهی‌گیری می‌توان به آزادی تعبیه بافه‌ها (کابل‌ها) و خطوط لوله زیر دریایی اشاره کرد. کنوانسیون آکتائو در این خصوص اظهار می‌دارد: «طرف‌ها می‌توانند نسبت به تعبیه بافه‌ها و خطوط لوله زیردریایی در بستر دریای خزر اقدام کنند».^{۶۵} با درج این مقرر، انجام طرح‌های انتقال نفت و گاز طبیعی از مناطق شرقی دریای خزر نظیر قزاقستان و ترکمنستان به بازارهای اروپایی، از طریق جمهوری آذربایجان میسر شد. این طرح‌ها ضمن آنکه اقدامی در جهت بالابردن اهمیت منطقه خزر است، جایگزینی مناسب و مطمئن برای صادرات انرژی روسیه به اروپا نیز هست.^{۶۶} البته «تعبیه خطوط لوله سراسری زیردریایی توسط طرف‌ها مشروط به مطابقت طرح‌های آن‌ها با استانداردهای زیست‌محیطی و الزام‌های مندرج در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که طرف‌ها در آن عضو هستند از جمله کنوانسیون ۲۰۰۳ راجع به چارچوب حفاظت از محیط‌زیست دریایی دریای خزر^{۶۷} و پروتکل‌های مربوط شده است.^{۶۸} این مقرر از این جهت حائز اهمیت است که خطوط لوله سراسری زیردریایی حامل منابع طبیعی

62. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 3. para. 16.

۶۳. موسوی‌زاده، رضا؛ *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی*، میزان، ۱۳۸۵، ص ۳۳۲.

۶۴. ضیایی بیگدلی؛ همان، ص ۳۷۲.

65. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 14. para. 1.

66. Hatamzade, E., "The Legal Status of the Caspian Sea Common Waters, Divided Bottom", *Caspian Affairs Magazine*, 2, 2019, at p. 17. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3360875.

67. Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea, 2003.

68. *Ibid.*, Art. 14. para. 2.

نظیر نفت و گاز بوده، بی‌مبالاتی و تساهل در نصب و تعبیه آن‌ها به‌طور مستقیم، آلودگی محیط‌زیست دریایی را به دنبال دارد.^{۶۹} مطابق کنوانسیون اخیر، طرف‌های متعاقد، کلیه اقدام‌های مناسب را برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریای خزر ناشی از منابع واقع در خشکی نظیر لوله‌ها به عمل خواهند آورد.^{۷۰} آزادی تعبیه بافه‌ها و خطوط لوله زیردریایی در کنوانسیون آکتائو علاوه بر ملاحظات محیط‌زیستی با محدودیت دیگری نیز همراه است. مطابق کنوانسیون مزبور، «مسیرهای بافه‌ها و خطوط لوله زیردریایی بر اساس توافق با طرفی که بافه یا خط لوله از بخش بستر آن عبور می‌کند تعیین خواهد شد».^{۷۱} هرچند مقرره‌های کنوانسیون آکتائو با الهام از بند ۱ ماده ۵۸ و ماده ۷۹ کنوانسیون حقوق دریا نگاشته شده، دامنه شمول آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. مطابق کنوانسیون آکتائو، آزادی تعبیه بافه‌ها و خطوط لوله زیردریایی به دولت‌های ساحلی دریای خزر اختصاص دارد و به دولت‌های ثالث تعلق ندارد.^{۷۲} اما مطابق بند ۱ ماده ۵۸ کنوانسیون حقوق دریا کلیه دولت‌های جهان، اعم از دولت‌های ساحلی یا محصور در خشکی از آزادی تعبیه بافه‌ها و خطوط لوله زیردریایی در مناطق انحصاری اقتصادی برخوردارند. همین‌طور این آزادی در حقوق بین‌الملل عرفی برای کلیه دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است.^{۷۳} علاوه بر این، مقرره‌های کنوانسیون آکتائو در مقایسه با بند ۱ ماده ۵۸ و ماده ۷۹ کنوانسیون حقوق دریا با محدودیت‌های کمتری همراه هستند.

نتیجه

هم‌سنجی منطقه ماهی‌گیری در کنوانسیون آکتائو و منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریا نشان می‌دهد که کنوانسیون آکتائو در مقایسه با کنوانسیون حقوق دریا سه رویکرد فعالانه، میانه و منفعلانه را مدنظر قرار داده است. در رویکرد فعالانه، کنوانسیون آکتائو با تعیین عرض حداکثر ۱۰ مایل دریایی، توسعه موارد توقف یا تعلیق تحقیقات علمی دریایی، تعیین منابع زنده آبی مشترک، محدودیت قانونگذاری در خصوص تعیین شروط و صدور مجوز در انجام تحقیقات علمی دریایی، چشم‌اندازی متفاوت با کنوانسیون حقوق دریا ترسیم نموده و بالمآل به نوآوری‌هایی در این خصوص دست یازیده است.

69. Dux, T., *Specially Protected Marine Areas in the Exclusive Economic Zone (EEZ): The Regime for the Protection of Specific Areas of the EEZ for Environmental Reasons Under International Law*, LIT Verlag Münster, 2011, at p. 482.

70. Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 7.

71. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op.cit.*, Art. 14. para. 3.

72. *Ibid.*, Art. 14. para.1.

73. Vrancken, P. H. G., *South Africa and the Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 2011. at p. 180.

در رویکرد دوم، کنوانسیون آکتائو در خصوص موضوع‌هایی نظیر واگذاری سهم باقیمانده هر دولت از کل صید مجاز به سایر دولت‌ها، اتخاذ تدابیر اجرایی به منظور حفظ و مدیریت منابع زنده آبی، وضع قواعد و تجویز و انجام تحقیقات علمی دریایی در خصوص منابع زنده آبی و در نهایت، شناسایی آزادی‌های هوانوردی، دریانوردی و تعبیه لوله و بافه در زیر دریا، مقررات کنوانسیون حقوق دریا را سرلوحه کاری خود قرار داده است.

در رویکرد نهایی یعنی رویکرد منفعلانه، کنوانسیون آکتائو در خصوص صلاحیت کیفری، صلاحیت مدنی، محدودیت در برداشت منابع زنده آبی و غیره مقرر شده مشخصی ندارد. در حالت اخیر هرچند ماهیت منطقه ماهی‌گیری با ماهیت منطقه انحصاری اقتصادی متفاوت است، با بهره‌گیری از قواعد کنوانسیون حقوق دریا، خلأهای معاهداتی در کنوانسیون آکتائو قابل تکمیل است.

هرچند مبنا قراردادن مقررات کنوانسیون حقوق دریا آن‌گونه که در مقدمه کنوانسیون آکتائو اشاره شده نقش بسزایی در رفع نقایص کنوانسیون مزبور در زمینه مقررات حاکم بر منطقه ماهی‌گیری دارد، باید اذعان نمود که تسری مقررات کنوانسیون حقوق دریا به دریای خزر به‌طور خودکار صورت نمی‌گیرد، چرا که جامعه بین‌المللی برخلاف جامعه داخلی یک جامعه عرضی است. به عبارت دیگر در جامعه بین‌المللی تکثری از حاکمیت‌های برابر وجود دارد که هیچ‌یک بر دیگری رجحان ندارد. در این نظام، اکثر قواعد حقوقی بر دولت‌ها اعمال نمی‌شود مگر با رضایت آن‌ها. از سوی دیگر بر اساس کنوانسیون حقوق دریا، دریای خزر دریای بسته یا نیمه‌بسته تلقی نمی‌شود. کنوانسیون مزبور، دریای خزر را از شمول مقررات خود مستثنا نموده و تنظیم قوانین و مقررات ناظر بر آن‌ها را به دولت‌های ساحلی آن‌ها تفویض کرده است. البته در زمینه استفاده از مقررات کنوانسیون مزبور و به‌کارگیری آن‌ها محدودیتی وجود ندارد. در این راستا دولت ایران در اجلاس سوم حقوق دریا موضع بسیار ظریف و دقیقی در ارتباط با ماهیت قراردادی کنوانسیون حقوق دریا و حقوق و تکلیف ناشی از آن اتخاذ نموده و در این خصوص در اعلامیه خود بیان داشته که علی‌رغم خصیصه مورد نظر کنوانسیون که شمول عام و طبیعت تقنینی آن است، برخی از مقررات آن از جمله حق عبور ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی، حق برخورداری از منطقه انحصاری اقتصادی، حق بهره‌برداری از منابع واقع در بستر اقیانوس‌ها و میراث مشترک بشریت که صرفاً نتیجه بده‌بستان‌های سیاسی بوده، ضرورتاً جنبه تدوین عرف موجود یا رویه جاری به‌صورتی که ماهیت تعهدآمیز داشته باشد، ندارد و بنابراین با نگرش به ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات، طبیعی است که تنها کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریا می‌توانند از حقوق قراردادی ناشی از آن بهره‌مند شوند.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- چرچیل. رابین و آلن لو؛ حقوق بین‌الملل دریا، بهمن آقایی، گنج دانش، ۱۳۹۳.
- ضیایی، سیدیا سر؛ صلاحیت دولت در حقوق بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۹۶.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، ۱۳۹۱.
- شریفیان و دیگران، تعیین زی فن گونه‌های آبزیان اقتصادی و مستعد تکثیر و پرورش در کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۹۴.
- موسی‌زاده، رضا؛ بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، میزان، ۱۳۸۵.

- مقاله

- باوند، داوود؛ «نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر: نویدها و زندهاها»، فصلنامه خاورمیانه، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۷۲.
- حکاک‌زاده، محمدرضا و بزرگ دعاگو؛ آرزو «بررسی چالش‌ها و راهکارهای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۵، شماره ۷۸، ۱۳۹۵.
- طیبی، سبحان و علی یار ارشدی؛ «بررسی رژیم حقوقی دریای خزر با تأکید بر مواضع حقوقی دول ساحلی»، مجله حقوقی عدالت آرا، دوره ۳، شماره ۷ و ۶، ۱۳۸۵.
- کامران، حسن، امیرمحمد حسن نامی، فرهاد جعفری و علی محمدپور؛ «رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر»، نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره ۶، شماره ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۸.
- ممتاز، جمشید و سعید میرزایی ینگجه؛ «رژیم حقوقی دریای خزر: دیدگاه‌های ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز؛ دوره ۵، شماره ۳۵، ۱۳۸۰.

- پایان‌نامه

- آسوده، محمود؛ منطقه انحصاری اقتصادی در حقوق دریا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۴.

- همایش

- صیرفی، ساسان؛ نشست کارشناسی «دریای خزر، تحدید حدود مناطق دریایی، ژئوپلیتیک»،

تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.

ب. انگلیسی

- Books

- Bárbara, Kwiatkowska, *The 200 [Two Hundred] Mile Exclusive Economic Zone in the New Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 1989.
- Birnie, Patricia W. *Legal Measures for the Conservation of Marine Mammals*, IUCN Publishers, 1982.
- Boczek, Boleslaw Adam, *International Law: A Dictionary*, Scarecrow Press, 2005.
- Churchill, Robin Rolf. Lowe, Alan Vaughan. *The Law of the Sea*, University Press. 1983.
- Dux, T., *Specially Protected Marine Areas in the Exclusive Economic Zone (EEZ): The Regime for the Protection of Specific Areas of the EEZ for Environmental Reasons Under International Law*, LIT Verlag Münster, 2011.
- Extavour, Winston Conrad, *The Exclusive Economic Zone: A Study of the Evolution and Progressive Development of the International Law of the Sea*, Brill publishers. 1979.
- Gill, Terry D. Fleck, Dieter. *The Handbook of the International Law of Military Operations*, Oxford University Press. 2011.
- Krasnova, Irina. *Russian Federation*, Oxford, Oxford University Press, 2020.
- Mamedov, Rustam F. *International-Legal Status of the Caspian Sea in Its Historical Development*, Turkish Yearbook, 2000
- Molenaar, Erik J., *New Maritime Zones and the Law of the Sea*, koninklijke brill nv, 2015.
- Nadan. Satya N, Rosenne. Shabtai, Nordquist. Myron H, *United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary*, Martinus Nijhoff Publishers, 1985.
- Oude Elferink, Alex G., *Stability and Change in the Law of the Sea, The Role of the LOS Convention*, Brill Publishers, 2005.
- Quince, Charles, *The Exclusive Economic Zone*, Vernon Press. 2019.
- Schwabach, A, John Cockfield, A., *International Law and Institutions*, EOLSS Publishers, 2009.
- Symmons, Clive Ralph, *The Maritime Zones of Islands in International Law*, Brill publishers, 1979.
- Vrancken, P. H. G., *South Africa and the Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 2011.
- Wallace, R, *International Law*, Sweet & Maxwell. 2011.

- Wang, James C. F. *Handbook on Ocean Politics & Law*, Greenwood Publishing Group, 1992.

- Articles

- Hatamzade, E., “The Legal Status of the Caspian Sea Common Waters, Divided Bottom”, *Caspian Affairs Magazine*, Vol. 2, 2019.
- Shafiyev, F, “The Legal Regime of the Caspian Sea: Views of the Littoral States”, *Prism*, Vol. 6, 2001.

- Thesis

- Ramazanova, Emilia, *The Caspian Sea: Legal Challenges of Delimitation between Littoral States*, Thesis for Masters of Laws in Law of the Sea, Faculty of Law, University of Tromsø, 2012.

- Instruments

- Agreement on the conservation and sustainable use of aquatic biological resources of the Caspian Sea, 2014.
- Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, 2018.
- Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea, 2003.
- Treaty of Commerce and Navigation, 1940.
- Treaty of Friendship, 1921

- Websites

- <http://hadianalireza.blogfa.com/post/102>
- <https://orient.tm/en/russia-begins-ratification-process-of-caspian-constitution/>
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/>
- <https://www.irna.ir/news>